

رابطه میان قدرت استقرای شرکت و انتخاب حسابرس دولتی: آزمون فرضیه بیمه

مرتضی معروف

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری؛ واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Morteza.marouf@gmail.com

احمد یعقوب نژاد

دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول مقاله)
Yaghoobacc@gmail.com

حمید رضا وکیلی فرد

دانشیار گروه حسابداری؛ واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Vakilifard.phd@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

چکیده

بر اساس فرضیه بیمه، هرگاه ریسک دعوی حقوقی مدیریت شرکت را تهدید نماید، تقاضا برای خدمات با کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد و مدیریت با انتخاب حسابرس بزرگ به دنبال آن است که خود را در برابر ریسک مزبور بیمه نماید. هدف پژوهش حاضر، مطالعه نقش "قدرت استقرای شرکت" در انتخاب حسابرس دولتی در راستای آزمون فرضیه بیمه می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسنادکاوی صورتهای مالی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد که از این جامعه، نمونه‌ای شامل ۱۶۷ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۴۰۰ و به عبارتی یک دوره ۱۲ ساله انتخاب شدند. فرضیه پژوهش بر اساس رگرسیون لاجستیک باینری مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش قدرت استقرای شرکت، احتمال انتخاب حسابرس دولتی نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش ضمن تایید فرضیه بیمه در انتخاب حسابرس دولتی، می‌تواند موجب بسط و گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در انتخاب حسابرس باشد.

واژه‌های کلیدی: قدرت استقرای، حسابرس دولتی، فرضیه بیمه.

۱- مقدمه

راستای فرضیه بیمه می باشد. اگرچه در مطالعات گذشته هر یک به نوعی علل و پیامدهای متفاوتی از انتخاب حسابرس ترسیم کرده‌اند؛ اما، همچنان سؤالاتی مبنی بر اینکه تا چه اندازه واحدهای تجاری بیشتر علاقه‌مند به انتخاب حسابرس دولتی برای دریافت وام هستند، همچنان وجود دارد. بنابراین هدف اصلی این پژوهش آن است تا ضمن بررسی ارتباط میان قدرت استقراض شرکت و انتخاب حسابرس دولتی، مبانی نظری تحقیقات گذشته درباره انتخاب حسابرس را بسط و گسترش دهد. دستاوردها و ارزش افزوده علمی این مقاله را می توان به شرح زیر برشمرد:

اول اینکه مطالعه حاضر، فرضیه بیمه را در انتخاب حسابرس به مخاطبان این پژوهش معرفی می نماید و این موضوع موجب بسط و گسترش مبانی نظری مطالعات قبلی درباره انتخاب حسابرس می شود. دوم اینکه مقاله حاضر می تواند اطلاعات سودمندی را برای سیاست گذاران و قانون گذاران در بازارهای اوراق بهادار و حسابرسی درباره قدرت استقراض و انتخاب حسابرس ارائه نماید. آنها می توانند از نتایج این تحقیق برای برنامه ریزی و تصمیم گیری درباره ارتقای کیفیت حسابرسی و ارتقای نظارت بر حرفه حسابرسی استفاده نمایند. سوم اینکه نتایج پژوهش حاضر می تواند ایده‌های جدید برای تحقیقات آتی فراهم آورد. در ادامه، مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش شناسی، یافته‌های تحقیق و نتیجه گیری تشریح می گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

دلایل تقاضا برای خدمات حسابرسی صورتهای مالی: **فرضیه نمایندگی:** انعقاد قراردادهای صریح بین مالکان و نمایندگان برای ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده، به نوعی اعمال نظارت بر نماینده محسوب می شود. استقرار سیستم حسابرسی و استخدام حسابرس در راستای نظام راهبری شرکتی است و از طرف دیگر نظام راهبری به دنبال کاهش هزینه های نمایندگی و کاهش هزینه بدهی است. وام دهندگان برای پرداخت وام به شرکت ها دنبال شفافیت هستند و بر کیفیت اطلاعات حسابداری وام گیرنده تاکید دارند و به این ترتیب تقاضا برای حسابرسی با کیفیت افزایش می یابد.

فرضیه اطلاعات: دلیل تقاضای سرمایه گذاران برای صورتهای مالی حسابرسی شده این است که اطلاعات سودمندی در صورتهای مالی حسابرسی شده برای تصمیم گیری مرتبط با سرمایه گذاری ارائه می گردد. به عبارتی دیگر، تقاضا برای حسابرسی به دلایلی از جمله تضاد منافع، پیچیدگی و عدم

تاکنون تحقیقات مختلفی درباره انتخاب و یا تغییر حسابرس انجام شده است. مطالعات در این زمینه، موضوع تغییر حسابرس و انتخاب حسابرس جدید را از دیدگاههای مختلف بررسی نموده‌اند. برخی از بررسی ها بیانگر آن هستند که مدیران به منظور بیش‌نمایی سود، حسابرس خود را تغییر می دهند (باقرپور و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین در مطالعه دیگری نشان داده شده است که انتخاب حسابرس متأثر از روابط سیاسی می باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۲). برخی دیگر از تحقیقات براساس فرضیه همسویی منافع میان مدیریت واحد تجاری و حسابرس نشان داده‌اند که تغییر مدیرعامل با تغییر و انتخاب حسابرس رابطه مثبت و معنی دار دارد. طبق این فرضیه، هرگاه مدیر عامل تغییر نماید، حسابرس نیز به دنبال آن تغییر می کند. هدف از تغییر حسابرس آن است که منافع مدیریت با حسابرس همسو باشد. آنچه تاکنون در تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته است، قدرت استقراض صاحبکار در انتخاب حسابرس جدید می باشد. بسیاری از بانک ها و وام دهندگان نیز برای اطمینان از عدم نکول اقساط وام مایل هستند که صورتهای مالی شرکت‌های وام گیرنده توسط موسسات حسابرسی با کیفیت و بزرگ، حسابرسی شوند. به عقیده آنها، حسابرسی صورتهای مالی توسط حسابرسان بزرگ موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه های نمایندگی می گردد (بروی و ویل^۱، ۲۰۰۸).

از آنجاییکه تأمین منابع مالی در کشور، عمدتاً از طریق سیستم بانکی انجام می شود، لذا هم بانک ها و هم مدیران واحدهای تجاری مایل هستند تا به منظور کاهش ریسک نکول اقساط وام و کاهش ریسک دعاوی حقوقی علیه مدیران در راستای کاهش هزینه‌های نمایندگی، سازمان حسابرسی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نمایند. موسسات حسابرسی با کیفیت و بزرگ از طریق اعتبار بخشی به اطلاعات حسابداری می توانند نقش با اهمیتی در شفاف سازی اطلاعات، کاهش ریسک‌ها و هزینه های نمایندگی در فعالیتهای تامین مالی ایفاء نمایند. آنها از طریق آگاهی بخشی به بانکها برای تأمین منابع مالی پروژه‌های اقتصادی، ارائه تحلیل ها و راه کارها اثر گذارند (براهویی و همکاران ۱۳۹۵).

آنچه که از شواهد موجود در بازار حسابرسی کشور می توان مشاهده نمود، آن است که هم چنان خلاء های پژوهشی در این بازار درباره انتخاب حسابرس وجود دارد. یکی از آن خلاءها که تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است، ارتباط میان قدرت استقراض و انتخاب حسابرس به ویژه حسابرس دولتی در

¹ Broey & Weill

می‌کنند. چنین وضعیتی سبب دور شدن افکار عمومی از مسئولیت‌های دولت می‌شود، که این امر نوعی مزیت سیاسی است. در واقع تدوین کنندگان قوانین و مقررات نظارتی، با الزامی شدن حسابرسی مستقل، خود را در برابر اتهامات احتمالی بیمه می‌کنند.

بنابراین سه فرضیه مباشرت (نظارت)، اطلاعات و بیمه، مبانی نظری لازم را برای توجیه تقاضا برای خدمات حسابرسی را فراهم می‌کند.

به عقیده والاس^۱ (۱۹۸۰)، هرگاه ریسک دعوی حقوقی و قضایی مدیریت واحد تجاری را تهدید نماید، در آن صورت تقاضا برای خدمات با کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد و مدیریت واحد تجاری با انتخاب حسابرس بزرگ، به دنبال آن است که خود را در برابر ریسک مذکور بیمه نماید تا زیان مورد انتظار ناشی از دعوی قضایی علیه خود را کاهش دهد. در راستای این موضوع، هولم و زمان^۲ (۲۰۱۲) نشان دادند که حرفه حسابرسی به طور فزاینده‌ای در معرض محکومیت به دلیل "بحران اعتماد" به دنبال ورشکستگی شرکت‌ها و رسوایی‌های مالی قرار گرفته است. در راستای فرضیه بیمه، هم حسابرسان و هم مدیران واحدهای تجاری تلاش می‌کنند تا یک باور یا تصویری پایدار از عملکرد رضایت‌بخش خود نزد استفاده‌کنندگان اطلاعات صورت‌های مالی ایجاد کنند تا مشروعیت اجتماعی آن‌ها را بهبود بخشند.

هوانگ و کانگ^۳ (۲۰۱۸)، دریافتند که شرکت‌هایی که شهرت بالاتری دارند، به منظور جلوگیری از کاهش شهرت خود، احتمالاً حسابرسان بزرگ و متخصص صنعت را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌نمایند. به عقیده کورتن^۴ و همکاران (۲۰۱۸) هرگاه حسابرس واحد تجاری و تأمین‌کنندگان آن هر دو از میان موسسات حسابرسی بزرگ انتخاب گردند، در آن صورت نوعی هماهنگی در انتخاب حسابرس وجود دارد و این موضوع باعث کاهش ریسک‌های مرتبط خواهد شد.

در ایران نیز حسابرس بانکهای دولتی طبق قانون، بخش دولتی یعنی سازمان حسابرسی (به عنوان حسابرس بزرگ) است. از این رو، مدیران واحد‌های تجاری که قدرت استقراض بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند، به منظور پوشش هرگونه ریسک مرتبط با دریافت وام، سعی می‌کنند تا حسابرس دولتی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نمایند. از این رو می‌توان فرضیه تحقیق را به صورت زیر نوشت:

دسترسی مستقیم به اطلاعات توسط سرمایه‌گذاران توجیه‌گر دیده است:

تضاد منافع: زمانی که استفاده‌کننده اطلاعات تصور می‌کند بین او و تهیه‌کننده اطلاعات، تضاد منافع بالفعل یا بالقوه وجود دارد، احتمال مغرضانه بودن (عمدی و یا سهوی) اطلاعات دریافت شده برایش مطرح می‌شود، از اینرو انجام حسابرسی توسط شخص مستقل و عاری از تصور تضاد منافع را لازم می‌شمارد.

پیچیدگی: هر چه موضوعات اقتصادی و فرآیند تبدیل آنها به اطلاعات پیچیده‌تر می‌شود، استفاده‌کننده اطلاعات با مشکلات بیشتری در رابطه با تشخیص کیفیت اطلاعات روبرو می‌گردد، همچنین پیچیدگی موضوع یا سیستم پردازش اطلاعاتی، امکان بروز اشتباهات را به وجود می‌آورد، لذا تخصص حسابرس زمینه مساعدی برای کشف تحریفات ناشی از پیچیدگی‌های معاملات اقتصادی و سیستم‌های اطلاعاتی فراهم می‌سازد. عدم دسترسی مستقیم: دور افتادگی استفاده‌کننده از تهیه‌کننده اطلاعات ممکن است به علت جدایی فیزیکی یا ناشی از موانع حقوقی و مقررات سازمانی باشد، این عدم دسترسی مستقیم، دستیابی به مدارک و منابع اطلاعاتی راجهت ارزیابی کیفیت آنها از طریق آزمون مستقیم غیرممکن می‌سازد و در شرایطی که ارزیابی مستقیم توسط استفاده‌کننده غیرممکن و یا غیرعملی باشد، وی باید یا به کیفیت اطلاعات اعتماد کند و یا آنکه از افراد مستقل (حسابرسان) در ارزیابی اطلاعات دریافتی استفاده کند.

فرضیه بیمه: تقاضا برای خدمات حسابرسی با میزان دعوی حقوقی که مدیران را تهدید می‌کند رابطه مستقیم دارد. حسابرس و صاحبکار در قبال هر گونه زیان وارده به اشخاص ثالث به علت وجود اطلاعات گمراه‌کننده در صورت‌های مالی مسئولیت مشترک دارند و این وضعیت سبب شده است تا توجه به دامنه مسئولیت حسابرس از اهمیت زیادی برخوردار باشد.

بیمه سیاسی: یکی از ابعاد فرضیه بیمه با انگیزه‌های سیاستمداران برای الزامی کردن اجرای حسابرسی در واحدهای اقتصادی مرتبط است. در سالهای پس از تشکیل کمیسیون اوراق بهادار و بورس، حسابرسان مستقل به عنوان سپر بلای مطمئنی برای دولت در برابر ورشکستگی‌های تجاری، تقلب و سوء جریانات مالی نقش آفرینی کرده‌اند. در اثر تدوین الزامات مربوط به اجرای حسابرسی مستقل، افراد و گروه‌های زیان‌دیده، انگشت اتهام را به سوی حسابرسان مستقل نشانه می‌گیرند و او را متهم

³ Huang & Kang

⁴ Corten

¹ Wallace

² Holm & Zaman

فرضیه تحقیق: با افزایش قدرت استقراض شرکت‌ها، احتمال انتخاب حسابرس دولتی نیز افزایش می‌یابد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

لطفی جو و همکاران (۱۴۰۲) طی پژوهشی دریافتند خودشیفتگی مدیرعامل صاحبکار، رابطه منفی و معنی داری با انتخاب حسابرس زن دارد. همچنین، گزارش زیان رابطه ای منفی و معنی‌دار و درصد سهام متعلق به سهامدار عمده رابطه ای مثبت و معنی دار با احتمال انتخاب حسابرس زن دارند. به عقیده آنها، زنان حسابرس در مقایسه با مردان حسابرس، دقت نظر و کیفیت حسابرسی بیشتری دارند.

نتایج پژوهش اشرفی (۱۴۰۲) نشان می‌دهد توان رقابتی صاحبکار تاثیر معنی دار و مثبت بر انتخاب موسسات حسابرسی بخش خصوصی دارد. هم چنین شواهد این پژوهش بیانگر آن است که نسبت بدهی و حق الزحمه حسابرس، تاثیر منفی و معنی دار در انتخاب موسسات حسابرسی بخش خصوصی دارد. از دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که با افزایش تعداد بندهای حسابرسی در گزارش سال قبل، احتمال انتخاب موسسات حسابرسی بخش خصوصی نیز افزایش می‌یابد.

احمدی لویه و همکاران (۱۴۰۰) تاثیر حق انتخاب حسابرس بر اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند اجتناب مالیاتی شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، بطور معناداری بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می‌باشد. بطور کلی نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس در انتخاب حسابرس خود به منافع خود از جمله اجتناب مالیاتی توجه می‌کنند و حسابرسان نیز به دلیل اینکه با مسئله انتخاب مجدد در حسابرسی‌های بعدی همراه هستند، کوشش می‌کنند تا از طریق همکاری با این شرکت‌ها در زمینه اجتناب مالیاتی رضایت آنها را جلب نمایند و در نهایت این جریان موجب می‌شود تا اجتناب مالیاتی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس باشد.

عارف منش و میرحاجی طرزجانی (۱۴۰۰) نشان دادند، رابطه مثبت و معنی داری بین مدت زمان دوره جستجوی حسابرس و نوع حسابرس جدید وجود دارد. هم چنین آن‌ها

دریافتند رابطه مثبت و معنی دار بین مدت زمان دوره جستجوی حسابرس جدید و حق الزحمه حسابرس جدید می‌باشد.

مرادی و یحیایی (۱۳۹۹) دریافتند انتخاب حسابرس به ویژگی‌های چون الزمات قانونی، ارتباطات و شناخت بین صاحب کار و حسابرس و حق الزحمه حسابرسی است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که همسویی منافع میان مدیران صاحبکار و حسابرس از مهم ترین عوامل اثرگذار بر انتخاب حسابرس است. زلقی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند ارتباط مثبت و معنی داری میان مدت تصدی مدیرعامل و تداوم انتخاب حسابرس وجود دارد. به عقیده آن‌ها همسویی منافع میان مدیر و حسابرس، دلیل این موضوع است.

خواجهی و همکاران (۱۳۹۸) نیز دریافتند، شرکت‌هایی که مسئولیت‌های اجتماعی بالایی دارند، تمایل دارند تا حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل شرکت انتخاب کنند که در بین شرکت‌های صنعت از شهرت بالاتری برخوردار هستند.

احمدی لویه و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه ای دیگر نشان دادند مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس، بطور معناداری بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می‌باشد. نتایج پژوهش آنها تایید می‌نماید که فرایند انتخاب حسابرس در کشور از یک رویکرد فرصت طلبانه پیروی می‌کند.

پژوهش‌های خارجی

لم^۱ و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند، شرکت‌هایی که از نظر فرهنگی در کشورهای با فرهنگ پنهانکاری بالا قرار دارند، معمولاً موسسات بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس انتخاب نمی‌کنند. زیرا این موسسات اظهار نظر غیرمقبول بیشتری در مقایسه با سایر موسسات ارائه می‌نمایند.

مگری و مرچینی^۲ (۲۰۲۴) نشان دادند شرکت‌هایی که قصد تجدید ساختار در بدهی‌های خود دارند، معمولاً موسسات حسابرسی بزرگ را به عنوان حسابرس خود انتخاب نمی‌کنند. بلکه دنبال موسسات حسابرسی هستند که تخصص در زمینه تجدید ساختار بدهی دارند.

یافته‌های رحمان^۳ و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان می‌دهد که در مقایسه با شرکتهای غیرخانوادگی، شرکتهای خانوادگی در چین به دلیل مشکلات کمتر نمایندگی بین مالکان و مدیران، تمایل کمتری به انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ دارند. علاوه بر این، شرکتهای خانوادگی چینی نسبت به شرکتهای غیر

³ Rahman

¹ Lam

² Magri & Marchini

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت آن، از نوع پژوهش کاربردی و از نظر روش در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی می‌باشد. مبانی نظری و داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. از آنجاییکه این پژوهش در یک محیط واقعی یعنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است، این پژوهش یک مطالعه میدانی نیز محسوب می‌شود. آزمون فرضیه‌های تحقیق بر اساس رگرسیون لاجستیک باینری به کمک نرم افزار SPSS شماره ۲۶ انجام شده است. دوره زمانی پژوهش یک دوره ۱۲ ساله بین سالهای ۱۳۸۹ لغایت ۱۴۰۰ می‌باشد. تعداد ۱۶۷ شرکت و در نهایت ۲۰۰۴ سال، شرکت مشاهده و به عنوان داده، گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران به روش غربالگری جمع‌آوری و مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

مدل پژوهش به منظور آزمون رابطه قدرت استقراض شرکت و انتخاب حسابرس دولتی به صورت رابطه شماره ۱ نوشته می‌شود:

$$AS_{it} = a_0 + a_1 BP_{it} + a_2 Roa_{it} + a_3 Size_{it} + a_4 Fees_{it} + a_5 BI_{it} + a_6 MS_{it} + a_7 GS_{it} + \varepsilon$$

متغیر وابسته

AS_{it} = انتخاب حسابرس دولتی می‌باشد. این متغیر یک متغیر مصنوعی با مقدار یک و صفر است. هرگاه حسابرس، سازمان حسابرسی و یا موسسه حسابرسی مفید راهبر باشد، مقدار آن یک و در غیر آن صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیر مستقل

BP = قدرت استقراض، عبارت است از نسبت تسهیلات دریافتی هر شرکت در هر سال به جمع تسهیلات مالی صنعت در همان سال؛

متغیرهای کنترلی

Roa = نسبت سود آوری شرکت مورد رسیدگی حسابرس، عبارت است از نسبت سودخالص به جمع دارایی‌ها؛
 $Size$ = اندازه شرکت مورد رسیدگی حسابرس، که از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود؛
 $Fees$ = حق الزحمه حسابرس، عبارت است از لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداختی به حسابرس؛

خانوادگی، هزینه‌های حسابرسی بالاتری دارند. اما شرکت‌های خانوادگی چینی که توسط موسسات بزرگ، حسابرسی می‌شوند در مقایسه با سایر شرکت‌های خانوادگی، هزینه‌های حسابرسی کمتری را متحمل می‌شوند.

گویزانی و عبدالکریم^۱ (۲۰۲۲) نشان دادند مالکیت خانوادگی رابطه‌ای معنی‌دار و منفی با انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ دارد. علاوه بر این، آنها دریافتند که رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین مالکیت نهادی و انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ وجود دارد. هم‌چنین آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که استقلال هیئت مدیره نقش با اهمیتی در انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ دارد.

هال و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بانک‌های دولتی بیشتر از بانک‌های خصوصی، موسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌کنند. هم‌چنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که بانک‌های دولتی حق الزحمه حسابرسی بیشتری به موسسات حسابرسی پرداخت می‌کنند.

لی^۲ و همکاران (۲۰۱۸) طی مطالعه‌ای دریافتند، شرکت‌هایی که تنوع جنسیت در ترکیب هیئت‌مدیره خود دارند، به احتمال زیاد، زنان را به عنوان حسابرس شرکت انتخاب می‌کنند. هم‌چنین آنها نشان دادند حسابرسان زن کیفیت حسابرسی بالاتری را در مقایسه با مردان ارائه می‌نمایند.

مونتنگرو و آنتونیوس براس^۳ (۲۰۱۵) طی پژوهشی دریافتند که شرکای زن حسابرسی در مقایسه با مردان کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. آنها هم‌چنین به این نتیجه رسیدند که هرگاه در ترکیب شرکای یک موسسه حسابرسی زنان سهم بیشتری داشته باشند، رویه‌های حسابداری غیر محافظه‌کارانه در شرکت‌های مورد رسیدگی موسسه حسابرسی کاهش خواهد یافت.

نیسکانن و کارجالین^۴ (۲۰۱۱) در تحقیق خود به بررسی تاثیر جنسیت زن بر مدیریت سود پرداختند و نشان دادند که در شرکت‌هایی که حسابرس مرد وجود دارد با احتمال بیشتر مدیریت سود صورت می‌گیرد.

هاردیس و بریج^۵ (۲۰۱۶) بررسی‌های تحلیلی خود نسبت به تفاوت‌های جنسیتی تاثیرگذار بر کیفیت حسابرسی مستقل پرداختند و نشان دادند که زنان نسبت به مردان به طور میانگین ریسک‌گریزتر هستند.

4 Niskanen & Karjalainen
 5 Hardies & Breesch

1 Guizani & Abdalkrim

2 Lee

3 Montenegro & Antunes Bras

BI = استقلال هیئت مدیره شرکت مورد رسیدگی حسابرس، عبارت است از درصد هیئت مدیره غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره؛

MS = سهامدار عمده، عبارت است از درصد سهام متعلق به سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت؛

GS = سهامدار نهادی، عبارت است از درصد سهام متعلق به سهامدار نهادی در ساختار مالکیت شرکت.

۴- یافته های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی داده های پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. این جدول میانگین و میانه متغیرهای کمی پژوهش را نشان می دهد. نزدیک بودن میانه و میانگین متغیرها نشان دهنده نرمال بودن متغیرها است. هم چنین جدول شماره ۲ نشان می دهد که در حدود ۲۴ درصد از مشاهدات، حسابرس خود را از میان بخش دولتی انتخاب نموده اند.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی

سهامدار عمده	سهامدار نهادی	استقلال هیئت مدیره	نسبت سودآوری	حق الزحمه حسابرس	اندازه شرکت	قدرت استقراض شرکت	
49/75	57/90	0/665	0/134	4/97	14/53	0/277	میانگین
50/90	68/80	0/600	0/110	6/49	14/28	0/255	میانه
20/77	32/27	0/182	0/149	1/28	1/72	0/206	انحراف معیار
2/18	0	0/250	-0/581	4/72	10/03	0/000	حداقل
99/45	0/93	0/720	0/682	10/34	21/33	0/876	حداکثر

جدول ۲. ادامه آمار توصیفی

جمع	کل موسسات		
	تعداد حسابرس دولتی	تعداد حسابرس خصوصی	سال
167	44	123	1389
167	42	125	1390
167	42	125	1391
167	42	125	1392
167	40	127	1393
167	41	126	1394
167	39	128	1395
167	38	129	1396
167	36	131	1397
167	38	129	1398
167	36	131	1399
167	35	132	1400
2004	473	1531	جمع کل

آزمون فرضیه پژوهش

قبل از آزمون فرضیه تحقیق، همبستگی میان متغیرهای توضیحی مدل مورد بررسی قرار می گیرد. جدول شماره ۳، همبستگی میان متغیرهای توضیحی مدل پژوهش را نشان می دهد. نتایج جدول مذکور بیانگر آن است که بیشترین همبستگی معنی دار میان سهامدار عمده و سهامدار نهادی برابر ۴۴/۹ درصد است، بنابراین از آنجاییکه این مقدار زیر ۵۰ درصد است، می توان گفت که همبستگی حاد میان متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

آزمون فرضیه پژوهش بر اساس رگرسیون چند متغیره لاجستیک باینری انجام شده است. جدول شماره ۴ نتایج آزمون مذکور را نشان می دهد. مطابق نتایج این جدول از آنجایی که سطح معنی داری قدرت استقراض شرکت برابر صفر درصد و کمتر از ۵ درصد است، بنابراین می توان ادعا نمود که در سطح ۹۵ درصد، قدرت استقراض شرکت با انتخاب حسابرس دولتی رابطه ای معنی دار داشته و چون ضریب این متغیر مثبت است، می توان گفت که این رابطه مثبت است، یعنی با افزایش قدرت استقراض شرکتها، احتمال انتخاب حسابرس دولتی نیز افزایش

دولتی دارند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که کای دو مدل برابر ۳۳۴ و سطح معنی داری آن زیر ۵ درصد و برابر صفر است. این موضوع به این معنی است که نقش متغیرهای توضیحی مدل در تغییر نسبت احتمالات متغیر انتخاب حسابرس دولتی با اهمیت و مورد تایید است. هم چنین ضریب تعیین مدل برابر ۲۳/۱ درصد و درصد پیش بینی مدل نیز برابر ۷۷/۶ درصد و بالای ۵۰ درصد می باشد.

می یابد و از این رو، فرضیه پژوهش تایید می شود. همچنین این جدول نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیرهای نسبت‌های سودآوری، درصد سهام متعلق به سهامدار عمده و استقلال هیئت مدیره رابطه‌ای منفی و معنی دار با احتمال انتخاب حسابرس دولتی دارند. همچنین متغیرهای اندازه شرکت، حق الزحمه حسابرسی و درصد سهام متعلق به سهامدار نهادی، رابطه‌ای مثبت و معنی دار با احتمال انتخاب حسابرس

جدول ۳. همبستگی میان متغیرها

قدرت استقراض	نسبت سودآوری	سهامدار عمده	سهامدار نهادی	استقلال هیات مدیره	اندازه شرکت	حق الزحمه حسابرسی	
-0/003	*0/074	0/029	*0/053	*-0/076	*-0/120	1	حق الزحمه حسابرسی
**0/041	*0/220	*-0/085	*0/199	*-0/083	1		اندازه شرکت
*-0/095	*0/113	*-0/06	*-0/054	1			استقلال هیات مدیره
*-0/068	**0/039	*0/449	1				سهامدار نهادی
-0/029	-0/014	1					سهامدار عمده
-0/168	1						نسبت سودآوری
1							قدرت استقراض

*معنی دار در سطح ۹۵ درصد **معنی دار در سطح ۹۰ درصد

جدول شماره ۴. آزمون فرضیه ها

مقدار تابع نمایی	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره والد	خطای استاندارد	ضرایب	
0/001	0/001	1	119/73	0/694	-7/59	مقدار ثابت
6/599	0/001	1	43/89	0/285	1/887	قدرت استقراض
0/383	0/021	1	5/358	0/414	-0/959	نسبت سودآوری
1/396	0/001	1	81/214	0/037	0/334	اندازه شرکت
1/123	0/001	1	39/365	0/018	0/116	حق الزحمه حسابرس
1/023	0/001	1	76/014	0/003	0/023	سهامدار نهادی
0/369	0/003	1	8/57	0/340	-0/996	استقلال هیئت مدیره
0/992	0/035	1	4/426	0/004	-0/008	سهامدار عمده
	0/000	1			334/41	آماره کای دو
Overall Percentage = 77/6				0/231 ^۱ = Nagelkerke R		

تذکر: اثرات صنعت در آزمون فرضیه لحاظ شده است

بالا، از جمله شرکت هایی که میزان استقراض و بدهی آنها بالاست به دنبال آن هستند تا با انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ، خود را در برابر ریسک مزبور و زیان های مورد انتظار ناشی از دعاوی حقوقی و قضایی بیمه نمایند. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج هوانگ و کانگ (۲۰۱۸) همسو است. آنها در پژوهش خود نشان دادند که شرکت ها به منظور جلوگیری از

۵- نتیجه گیری و پیشنهاد

در این مقاله رابطه میان قدرت استقراض شرکت و انتخاب حسابرس دولتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. یافته این پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش قدرت استقراض شرکت، احتمال انتخاب حسابرس دولتی نیز افزایش می یابد. این یافته با مبانی فرضیه بیمه (والاس، ۱۹۸۰) مطابقت و همخوانی دارد. بر اساس این فرضیه، مدیران واحد های تجاری با ریسک مالی

فهرست منابع

- کاهش شهرت و اعتبار خود، حسابرس بزرگ را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌نمایند.
- نتایج این تحقیق با پژوهش رحمان و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. طبق یافته های آنها در شرکت های خانوادگی چینی، به دلیل مشکلات کمتر نمایندگی بین مالکان و مدیران، تمایل کمتری برای انتخاب موسسات حسابرسی بزرگ وجود دارد.
- یافته های این پژوهش با تحقیق هال و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. آنها به این نتیجه رسیدند که بانک های دولتی بیشتر از بانک های خصوصی، موسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس خود انتخاب می کنند.
- اکثر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دارای مدیریت دولتی هستند و مدیران شرکت های مذکور، تمایل دارند تا با انتخاب حسابرس دولتی، خود را در برابر فشار های سیاسی نهادهای ناظر، از جمله سازمان بازرسی کل کشور بیمه نمایند. ضمناً با انتخاب سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر، علاوه بر کاهش فشارهای سیاسی علیه خود و شرکت با این انتخاب می‌توانند به شیوه‌ای راحت‌تر از بانکها استقراض کنند، به این دلیل که بانک‌های وام دهنده دولتی با حسابرس دولتی نوعی هم سویی منافع دارند و میتوان گفت که حسابرس دولتی به نوعی وظیفه حسابرسی داخلی و نقش کنترلر را برای بانک های دولتی ایفا می‌کند، از این رو مدیران شرکت‌های مزبور با آگاهی از این موضوع حسابرس دولتی را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌کنند.
- بنابراین یکی از مهمترین دستاوردهای این تحقیق، اهمیت "کیفیت حسابرسی" برای حسابرس دولتی است. به عبارتی بهتر، با توجه به تاثیر گزارشات حسابرسی سازمان حسابرسی در تامین مالی از بانکها و بازار بورس، پیشنهاد می‌گردد وزارت امور اقتصادی و دارایی که متولی سازمان مزبور است، با هدف حفظ منافع صنعت بانکداری و همچنین رشد سریع شرکت‌های در حال توسعه، افزایش کیفیت حسابرسی مربوطه را در اولویت برنامه ریزی خود قرار دهد.
- همچنین یافته های این پژوهش میتواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون گذاران و سیاست گذاران حوزه بانکداری و سازمان بورس اوراق بهادار قرار دهد. بنابراین به بانکها و موسسات اعتباری فعال در حوزه تامین مالی نیز پیشنهاد می‌شود که در مدل‌های تصمیم گیری خود در خصوص میزان تسهیلات و تضامین مورد نیاز برای تسهیلات اعطایی، صرف نظر از دولتی و یا غیر دولتی بودن موسسه حسابرسی، سابقه و خوش‌نامی آنها را بیش از پیش مد نظر قرار دهند.
- احمدی لویه، افشین. نیکومرام، هاشم. رهنمای رودپشتی، فریدون. و بنی مهد، بهمن (۱۳۹۷). حق انتخاب حسابرس و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۶۰)، ۱۰۳-۱۲۳
- احمدی لویه، افشین. نیکومرام، هاشم. و بنی مهد، بهمن (۱۴۰۰). حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰(۳۸)، ۱-۱۶.
- اشرفی، جواد (۱۴۰۲). توان رقابت محصول و انتخاب حسابرس: آزمون نظریه رقابت؛ مجله دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۴۸، صص ۳۰۵-۳۱۴
- براهویی، مریم. حکیمیان، سمیرا. فلاح، رضا (۱۳۹۵). نقش حسابداری در اقتصاد مقاومتی؛ مقاله ارائه شده در کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت بنی مهد، بهمن. جعفری معافی، رضا (۱۳۹۲). "کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۱.
- زلقی، حسن. افلاطونی، عباس. و برزآبادی فراهانی، محمد (۱۳۹۸). تأثیر مدت تصدی مدیرعامل بر تداوم انتخاب حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۱(۴۱)، ۱-۲۲.
- خواجوی، شکرالله. پورگودرزی، علیرضا. سرمدی نیا، عبدالمجید (۱۳۹۸). رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و انتخاب حسابرس، با تاکید بر شهرت حسابرس شرکت. پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۸، شماره ۱۴، صص ۴۳-۶۳
- عارف منش، زهره. میرحاجی طزرجانی، زهراالسادات (۱۴۰۰). بررسی تاثیر دوره جستجوی حسابرس به عنوان علامت ریسک حسابرسی بر انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابرسی. دانش حسابرسی سال ۲۱، شماره ۸۲، صص ۱۷۹-۲۰۱
- لطفی جو، نشمین. بنی مهد، بهمن. نیکو مرام، هاشم. وکیلی فرد، حمیدرضا (۱۴۰۲). نقش خود شیفتگی مدیر عامل صاحبکار در انتخاب حسابرسان زن. فصل نامه بورس اوراق بهادار، مقاله پذیرفته شده در نوبت چاپ
- مرادی، محمد. یحیایی، منیره (۱۳۹۹). تدوین الگوی انتخاب حسابرس مستقل در ایران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۷ (۲) : ۲۵۸-۲۸۷

- Wallace, W. (1980). The economic role of the audit in free and regulated markets. *Open Educational Resources* 2. Retrieved from <https://scholarworks.wm.edu/oer/2>.
- Broye, G., Weill, L. (2008) Does leverage influence auditor choice? A cross-country analysis, *Applied Financial Economics*, 18, 715–731
- Bagherpour, M., Monroe, G., & G. Shailer, G. (2014). Government and managerial influence on auditor switching under partial privatization. *Journal of Accounting and Public Policy*, 33(4), 372-390
- Corten, M., Steijvers, T., & Lybaert, N. (2018). Auditor choice in private firms: A stakeholders perspective. *Managerial Auditing Journal*, 33(2), 146–170
- Guizani, M. and Abdalkrim, G. (2022), "Ownership structure, board independence and auditor choice: evidence from GCC countries", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 12 No. 1, pp. 127-149. <https://doi.org/10.1108/JAEE-06-2020-014>
- Hall, C.M., Hoffman, B.W. and Liu, Z. (2020), "Ownership structure and auditor selection", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 35 No. 8, pp. 1121-1142. <https://doi.org/10.1108/MAJ-07-2019-2360>
- Hardies, K., Breesch, D., & Branson, J. (2016). Do (fe)male auditors impair audit quality? Evidence from going-concern opinions. *European Accounting Review*, 25(1), 7–34.
- Holm, C., & Zaman, M. (2012). Regulating audit quality: Restoring trust and legitimacy. *Accounting Forum*, 36(1), 51–61.
- Huang, X., & Kang, F. (2018). Company reputation and auditor choice: Evidence from Fortune 1000 companies. *Accounting Research Journal*, 31(2), 232–248
- Lam, B.M., Mo, P.L.L. and Rahman, M.J. (2024), "Secrecy culture, client importance, and auditor reporting behavior: an international study", *Managerial Auditing Journal*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/MAJ-11-2022-3763>
- Lee, HS., LNagy, A.L., Zimmerman, A.B., (2018) Audit partner assignments and audit quality in the United States, *The Accounting Review* 94 (2), 297-323
- Magri, C. and Marchini, P.L. (2024), "Audit quality and debt restructuring: evidence from Italy", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 39 No. 1, pp. 50-70. <https://doi.org/10.1108/MAJ-01-2023-3794>
- Montenegro, T.M., Bras, F.A., (2015) Audit quality: does gender composition of audit firms matter?, *Spanish Journal of Finance and Accounting* 44:3, 264- 297
- Niskanen, M., & Karjalainen, J. (2011). Auditor gender and corporate earnings management behavior in private Finnish firms. *Managerial Auditing Journal*.26(9),778-793
- Rahman, M.J., Zhu, H. and Hossain, M.M. (2023), "Auditor choice and audit fees through the lens of agency theory: evidence from Chinese family firms", *Journal of Family Business Management*, Vol. 13 No. 4, pp. 1248-1276. <https://doi.org/10.1108/JFBM-02-2023-0027>



Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 14/ No. 56/ Winter 2024

The relationship between the firm's borrowing power and the choice of government auditor: testing the insurance hypothesis

Morteza Marouf

Ph.D Student in Accounting at Science & Research Branch in Azad University, Tehran, Iran
Morteza.marouf@gmail.com

Ahmad Yaghoobnejad

Associate Professor in Azad University of central tehran branch, Tehran, Iran,
(Corresponding Author)
Yaghoobacc@gmail.com

Hamidreza Vakilifard

Associate Professor at Science & Research Branch in Azad University, Tehran, Iran
Vakilifard.phd@gmail.com

Abstract

According to the hypothesis of insurance, whenever the risk of litigation threatens the management of the company, the demand for high-quality audit services increases, and the management seeks to insure itself against this risk by choosing a great auditor. The purpose of this research is to study the role of the firm's borrowing power in the selection of a government auditor in order to test the insurance hypothesis. The method of gathering information in the theoretical foundations section is from the library method and in the hypothesis testing section from the document analysis method of financial statements. The statistical population of the current research is the companies listed in the stock exchange, from which a sample of 167 companies was selected during the period of 2010 to 2021, in other words, a period of 12 years. The research hypothesis has been tested based on binary logistic regression. The results of this research show that with the increase in the firm's borrowing power, the probability of choosing a government auditor also increases. The findings of this research, while confirming the hypothesis of insurance in the selection of a government auditor, can lead to the expansion of the theoretical foundations of past researches in the selection of an auditor.

Keywords: Borrowing power, government auditor, insurance hypothesis